تیتر روز

روحانی: صبح شنبه متوجه شدم که آقای رئیسی، رئیس جمهور است

دارکوب: آقای رئیس شاهد باشین خودتون سرشوخی روباز کردین‌ها!

روحانی: کشور را برای اولین بار بدون نفت اداره کردیم، یک نفر نگفت دستت درد نکند

مردم: تو دلمون می‌گفتیم!

به علت کرونا تشویق کلامی و فریاد زدن در ورزشگاه‌های المپیک ممنوع شد

یک لیدر: تشویق فقط دوانگشتی، با دست‌های ضدعفونی شده!

معاون هماهنگی توزیع توانیر: موج جدید خاموشی در راه است

دارکوب: موج‌ها هم مثل پیک‌های کرونا به هم چسبیدن دیگه!

سازمان هواپیمایی با افزایش قیمت بلیت هواپیما کاملا مخالف است

مسافران: اگه اصرار کنیم چی؟ چرا به ما عذاب وجدان میدین؟!

دانشمندان چینی موش‌های نر را وادار به زایمان کردند!

دارکوب: کاش چینی‌ها دو دقیقه آروم بشینن تا دنیا نفس بکشه!

مصرف زعفران، نارگیل، موز و قهوه خوش‌اخلاقی شما را تضمین می‌کند

دارکوب: اگه بخوایم این‌ها رو بخریم، پول‌هامون تموم می‌شه و اخلاقی واسه‌مون نمی‌مونه!

وزیر علوم: به تعویق کنکور فکر نمی‌کنیم

یک دانش‌آموز: همچنین به برداشتن مافیای کنکور!

کله چغوکی

آق کمال سحرخیز می‌شود

آق کمال
همه کاره و هیچ کاره

عیال یَگ عادتی دره که خانوادگی بهشان به ارث رسیده، اویم سحرخیزیه. یعنی هنوز آفتاب نزده تو خواب و بیدار مِشنوُم که آقای دکتر، خُسرُم که طبقه پایین مازندگی مکنن (یعنی ما طبقه بالای خانه اونا زندگی مکنِم!) تو حیاط دره بری موسی کوتقیا غذا مریزه و بری چغو کا شعر مخوانه! حالا کاملیاخانم یَگ آب شسته‌تر از آقاشه، آفتاب که مِزنه از خواب ورمِخزه. بعد چی کار مکنه؟ مِره تو آشپزخانه و شروع مکنه به سروصدا کردن. حالا روزای وسط هفته که باید برِم سر کار عیبی نِدره، ولی روزای تعطیل آرزو به دلُم مانده که یَگ ساعت بیشتر بخوابُم. شب بهش گفتُم: «عزیزجان، قربون شکلت برُم، خواهشن فردا صبح کاری به موندشته باش که اقلا یَگ کم بخوابُم.» گفت: «آدم که برای خوابیدن به دنیا نیومده. وقت برای خواب زیاده، الان باید صبح زود پاشی.» گفتُم: «خب کله‌سحر و خزُم چی کار کنُم؟» گفت: «پاشو برو نون تازه بخر...» گفتُم: «به قول خودت فریزر دره از نون مِتر که...» فکر کرد و گفت: «برو تو حیاط ورزش کن» گفتُم: «باشه قبوله! ولی موبایی دیکس کمر، هم تکون بخورُم باید یَگ ماه تو خانه بخوابُم، مشکلی نِدری؟!» گفت: «بیا به من کمک کن» گفتُم: «اولا که ماشالا به جونت تو کاری باقی نِمذاری که ما انجام بدم. بعدشم موتا مخوام پامه بذارُم تو آشپزخانه هم خودت نِمگی که دست به هیچی نزن و زود برو بیرون؟» یَگ کم دگه فکر کرد و گفت: «امان از این زبون تو! باشه، بخواب تا لنگ ظهر، هیچ کاری به کارت ندارم!» اِنا حالا خوب رفت. با ای که تیریپ قهور داشت ولی ته دلُم بشکن مزدُم که بالاخره فردا مِتنُم یَگ ساعت بیشتر بخوابُم. تا ای که صبح کله‌سحر آمد بالا سرُم و صدام زد. چشم‌بسته گفتُم: «مگه قرار نشد امروز ره بذاری بخوابُم؟» گفت: «پاشو هوا خوبه بریم یک کم راه بریم، حیفه...» گفتُم: «مِدنی که موبایی حساسیتُم اگه باد صبح بهم بخوره تا دو هفته باید عکسه بکنُم...» ساکت شد. گفتُم خب ولُم کرد که باز دیدُم صدام مِزنه: «پاشو دیگه...» چشمامه باز کردُم با عصبانیت گفتُم: «پاشدم! امر بفرماین!» خندید و گفت: «همینو نمی‌فهمی که من تنهایی حوصله‌ام سر میره؟ تا وقتی خونه‌ای باید کنار دستم باشی...» ای جان، خب زودتر ای ره مُگفتی. اجیر و خاستُم گفتُم: «بپوش برم نون تازه بیگیرِم، گور بابای عکسه و سُلفه!» ایم از ای.

ماجراهای اجاره نشین ها!

دارکوب
صفحه طنز خراسان
پنج شنبه ها

کار تونیست: محمد جواد طاهری

دیکتیونواری

به کوشش یک کاردار

بهار (Bahar): اولین، طولانی‌ترین، کش‌دارترین، خوشگل‌ترین و خوش‌بوترین فصل سال. فصلی که در آن مردم سه دسته می‌شوند: یا چرت می‌زنند، یا عاشق می‌شوند، یا از بس به خاطر آلرژی فصلی عطسه و فین می‌کنند، از چرت و عاشقی و کلا زندگی بیزار می‌شوند.

تابستان (Tabestan): دومین و گرم‌ترین فصل سال. خورشت کرفس فصل‌ها، یعنی فصلی که خیلی‌ها عاشقش هستند و بقیه از آن متنفرند. در این سه ماه باید همه چیز را کم مصرف کرد، از آب و برق گرفته تا آلو و خربزه. خوشمزه‌ترین فصل سال به خاطر داشتن میوه‌هایی که کمتر کسی توان خریدشان را دارد. قرار بود با رسیدن این فصل کرونا تمام شود که خب نشد و سالگردش را جشن گرفتیم.

پاییز (Payyz): سومین فصل سال (یعنی این را هی ما باید بشماریم برایتان؟) آغاز نوع جدید حساسیت فصلی، خشکی پوست، افسردگی و شکست خوردن عشق‌هایی که در بهار رخ داده بودند. پاییز هم مانند تابستان طرفداران و متنفران خودش را دارد که همیشه بر سر حکومت‌شان با هم دعوا دارند و منتظرند آخرش جوجه‌هایشان را بشمرند.

زمستان (Zemestan): آخرین فصل سال (بالاخره تمام شد!) آغاز فصل سرد. فصل بازگشت مقتدرانه همه ویروس‌ها با قدرت تمام. فصلی که قبلا سفید بود به خاطر بارش برف ولی این سال‌ها کبود شده، به دلیل کمبود گاز. فصل صرفه‌جویی در گازی که در فصل‌های قبل هر چه خواسته بودید مصرف کرده بودید.

کاریکلماتور

- دهن لق آخر از چشم می‌افتد.
- دستش را در زباله‌ها می‌برد اما هیچ‌وقت چرک کف دست نداشت.
- یک «الف» بچه است اما «نون»‌آور خوبی است.
- خاموشی تکلیف ابلهان را روشن می‌کند.
- گاهی کمی شکست خوردن اشتهار ا برای موفقیت باز می‌کند.
- تیزی زبانش رابطه را قطع می‌کند.

شکوفه رضایی دولت آبادی

کار تونیست: حسین نقیب

اهدای خون اهدای زندگی

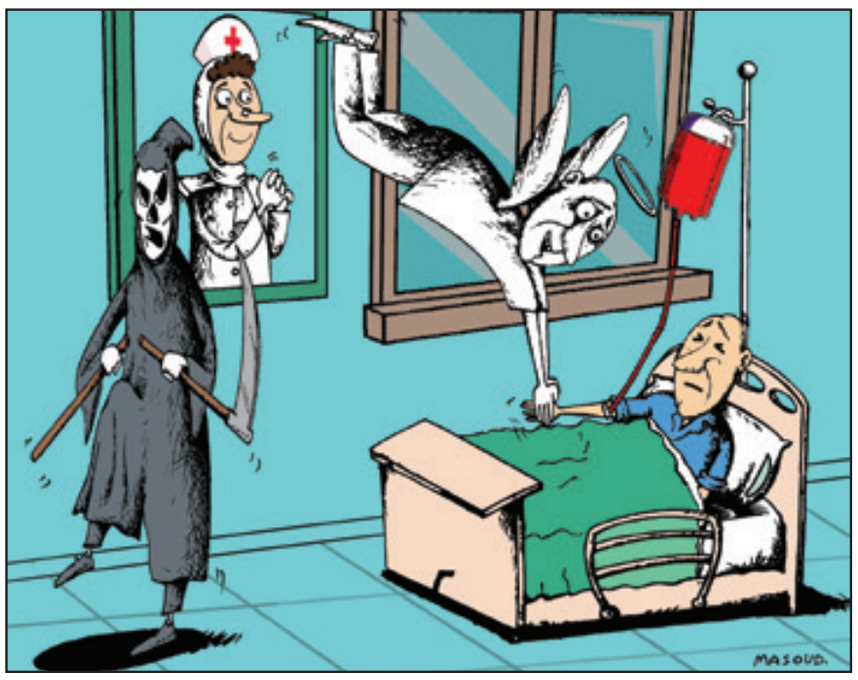

کار تونیست: مسعود ماهینی

فال روز

ای صاحب فال، تابستان آغاز شد. یادت می‌آید فرودین هرگز تمام نمی‌شد؟ حالا دیدی فصل دوم سال هم از راه رسید؟ تازه... دارکوب هم وارد سومین سال انتشارش شد! توقع کادوی تولد نداریم ولی حداقل سعی کن آب و برق کمتری مصرف کنی و ماسک بزنی تا زمان دیرتر بگذرد. (شاید ربطی نداشته باشد ولی شما رعایت کن!)

شعر روز

تولد دارکوب مبارک!

به دنیا اومد امروز و چه خوبه
الهی که طلوعش بی‌غروبه
امیدم شادی و فردای بهتر
برای بچه‌های دارکوبه!

مفتی!

ندارم چای و قهوه بهر مهمون
خجالت می‌کشم از کاسه، فنجون
غذا و آب و تخت و برق مفتی
دیگه جایی نمیدن غیر زندون!

تابستانه!

هوا گرم و عرق می‌ریزه آدم
شبیه بستنی وا میشه کم کم
دقیقا زندگی با این شرایط
شده انگار مانور جهنم!

امیرحسین خوش حال

۴۰ درصد بیکاران؛ دانش‌آموختگان دانشگاه هستند

«ماییم که از باده بی جام خوشیم»
بیکار و رها ز چرخ ایام خوشیم
با مدرک‌مان گُلی به سر ها زده‌ایم
آب در کوزه را به این کام خوشیم
تعجیل برای حرفه و شغل! چرا؟
آهسته و پیوسته و آرام خوشیم
چون عایدی و حقوق ما را نبوَد
از قرض ز آشنا و از وام خوشیم
مسئول و وزیر قول‌هایی دادند
آری همگی به وعده خام خوشیم
القصه غم کار نداریم دگر
«ماییم که بی هیچ سرانجام خوشیم»!

شیما اثنی عشری

دیفال
ارسال

خودروی ۲ نفره
نوع: در حد نو
قیمت: نظر کارشناس
توضیحات:
بسیار شیک و کاربردی بوده و طبق آخرین استانداردهای روز دنیا، سفری دلچسب را برای شما و یک همسفر دیگرتان فراهم می‌کند. دارای کارت سوخت، بیمه و سند کامل. این خودرو که قبلا ۴نفره بوده، بنا به خواست بنده و البته بی‌مبالاتی یکی از اعضای خانواده که نمی‌خواهم نام ببرم و کمک یک تریلی ۱۸چرخ، از وسط به دو قسمت نامساوی تقسیم شده که جلویش به علت داشتن موتور، به فروش می‌رسد. درصورت تمایل عقبش هم تقدیم می‌شود